



سخن مدیر مسئول

امروز از همیشه به نهج البلاغه محتاج‌تریم.^۱

امسال، یک‌هزار و سی و نه سال از گردآوری نهج البلاغه می‌گذرد. کتابی که از آغاز تألیف، مورد توجه و راهنمای زندگی بوده و درباره مسائل اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رهنمودها، دستورها و قانون‌های جالب و عالی و بدون نقض و نیاز به تجدید نظر ارائه نموده که مورد اعجاب دانشمندان قرار گرفته است و به گفته «امین نخله» نویسنده و دانشمند معروف مسیحی:

هرگاه کسی بخواهد بیماری نفس خود را درمان کند باید به گفتار امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه روی آورد و راه روشن زندگی را از پرتو این کتاب ارزشمند بیاموزد.^۲

همچنین استاد «حسین نائل مرصفی» از دانشمندان، ادبا و مدرسان دانشگاه الازهر مصر در مقدمه شرح خود بر نهج البلاغه می‌نویسد:

آنچه علی علیه السلام در این کتاب آورده است از قبیل نشانه‌های حکمت عالی، قوانین زنده صحیح سیاسی و هر گونه پند نافذ و دلیل متقن که هم اکنون گواه عظمت و بهترین دلیل شخصیت بی‌مانند او است، نصیب حکمای بزرگ و فلاسفه سترگ و نوابغ عالی‌مقام جهان نشده است. علی علیه السلام در این کتاب از دریای علم و سیاست و دیانت سر بدر آورده، از این‌رو در تمام مسائل نابغه برازنده است.

«جرج جرداق» در زمینه مسائل سیاسی و حقوق بشر پنج جلد کتاب تحت عنوان: *امام علی صوت العداله الانسانیه* تألیف کرده است. او می‌کوشد امام را در مهم‌ترین مسائل سیاسی؛ یعنی عدالت معرفی کند.

۱. از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنگره چهارم نهج البلاغه فروردین ۱۳۶۳.

۲. ما هو نهج البلاغه، سید هبه الدین شهرستانی.



مسائل روز جهان اسلام

نهج البلاغه کتابی نیست که تاریخ مصرف داشته باشد بلکه همواره پیشاپیش کاروان زندگی و جامعه در حرکت است و بشریت باید خود را بدان برساند.

یکی از مهم‌ترین مسائل مورد ابتلای جامعه و حکومت‌های عادل توطئه‌ها و فتنه‌هایی است که هدف آنها ایجاد نارضایتی و نابسامانی است که مردم را ناامید و خسته کرده تا بی‌رغبتی و دل‌سردی را فراهم ساخته و به خیال خام خود زمینه سقوط را فراهم سازند.

امام علیه السلام که خود گرفتار فتنه‌های بزرگ بوده در این مورد روشنگری‌هایی کرده تا در طول تاریخ مسلمانان موقعیت‌ها و فتنه‌ها و حرکت‌های مسموم را شناخته و راه را از چاه تشخیص داده و فریب زورمداران و زورداران را نخورند و خیرخواهان را از بدخواهان بازشناخته و سرنوشت خود را با محور عقل و آگاهی رقم زنند.

نکته مهم در این رابطه بصیرت و آگاهی عمومی است که در نشیب و فرازها، حق را از باطل باز شناسند و از یاران و لشگریان حق و مبارزان با باطل گردند و دست رد به سینه نامحرمان و فتنه‌گران بزنند، به این پیام مهم امام توجه کنید: «... شَقُوا امواج الفتن بسفن النجاه؛ با کشتی‌های نجات امواج فتنه را بشکنید». (خطبه ۵)

کشتی نجات «بصیرت» که در طوفان‌های سهمگین توطئه‌ها سرنشینان خود را به ساحل سلامت می‌رساند.

زیباتر و گسترده‌تر بیان دیگر امام در این رابطه است:

فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدِّدًا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي وَالضَّلَالِ فِي الْمَعَاوِي وَ لَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ الْغُفَاةَ بِتَعَسُفٍ فِي حَقِّ أَوْ تَحْرِيفٍ فِي نُطْقٍ أَوْ تَخَوُّفٍ مِنْ صِدْقٍ. (خطبه ۱۵۳)

جز این نیست بینا و آگاه کسی است که بشنود و آنگاه بیندیشد و بنگرد پس بینش و بصیرت یابد و از عبرت‌ها سود برد و راه روشن را ببوید که در آن از سقوط در پرتگاه‌ها و گمگشتگی در کوره راه‌ها به دور ماند و اجازه ندهد گمراه کنندگان از راه پرده‌پوشی حق یا تحریف در سخن و یا ترس از راستی و راستگویی بر او دست یابند.

تفکر و بررسی و تحقیق موجب بصیرت است که انسان را از سقوط در ورطه نگه می‌دارد. در هر صورت امام علیه السلام برای نجات از فتنه‌ها دستور جامع و کامل صادر کرده که فرازمانی و فرامکانی است و شخص مومن باید همیشه به‌ویژه زمان فتنه و توطئه هر حرکت و عملی که در امور سیاسی و اجتماعی انجام می‌دهد باید با آگاهی و بصیرت کامل باشد و تحت تأثیر جوسازی‌ها و تبلیغات سوء قرار نگیرد.

امام علیه السلام در نامه‌ای به محمد بن ابی بکر می‌فرماید: «و امض علی بصیرتک؛^۱ با بینش راه خود را پیش گیر» و آنگاه که ویژگی بندگان شایسته را بر می‌شمارد، به بصیرت اشاره کرده و آن را راهگشای زندگی و موجب حفظ و حراست از وقوع در لغزش‌ها و سقوط‌ها می‌داند:

قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ وَسَلَكَ سَبِيلَهُ وَعَرَفَ مَنَارَهُ وَقَطَعَ غِمَارَهُ وَاسْتَمْسَكَ مِنَ الْعُرَى بِأَوْثِقِهَا وَمِنَ الْجِبَالِ بِأَمْتِنِهَا فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ قَدْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ فِي أَرْفَعِ الْأُمُورِ مِنْ إِصْدَارِ كُلِّ وَارِدٍ عَلَيْهِ وَتَضْيِيرِ كُلِّ فَرْعٍ إِلَى أَصْلِهِ ... (خطبه ۸۶)

با دیده بصیرت بنگرد. پس بینش و بینایی یابد، آگاهانه راه خود را یافته و سپس قاطعانه آن را پیموده، خط روشن خود را از میان کژراهه‌ها شناخته و از غوغای امواج خروشناک لغزش‌ها سالم به ساحل رسیده است، او از همه دستاویزها به محکم‌ترین و مطمئن‌ترین آنها دست یازیده و آن را فراچنگ آورده است، پس او به مرحله یقین رسیده و حقایق برای او چون خورشید درخشیده است، او خود را وقف اهداف الهی کرده و در خطیرترین موقعیت‌ها قرار گرفته که پاسخگویی به مشکلات و پرسش‌ها است، او مسائل فردی و اجتماعی را بر مبانی دین تطبیق دهد.

قد نصب نفسه لله سبحانه في ارفع الامور، من اصدار كل وارد عليه وتعبير كل فرع الى اصله.

برای تشخیص حق از باطل و شناخت فتنه‌ها و توطئه‌ها اول باید پایگاه اصلی و مهم آن را دریافت و آن قرار گرفتن انسان در پیشگاه الهی است، هر کس باید به این نکته توجه کند که هر سخن و هر کلامی که درباره دیگران می‌گوید و هر نسبتی که می‌دهد باید در محضر الهی جوابگو باشد باید بداند که تمام جزئیات آن در پرونده اعمالش ثبت و ضبط شده و در دادگاه عدل الهی مورد بازخواست و ثوابت و عقاب قرار خواهد گرفت.

او باید در «ارفع امور» یعنی بالاترین و سرنوشت‌سازترین مسائل زندگی از خدای متعال کسب تکلیف کرده و هر اقدام و حرکتی باید برخاسته و برگرفته از دستورهای الهی باشد نه گرده‌گرایی، دنیاپرستی و دیگر امور بی‌ارزش و زودگذر مادی.

آنگاه وقتی خود را در چنین جایگاه رفیعی قرار داد به دو دسته صریح و مهم می‌رسد:

۱. «اصدر كل وارد عليه» هر چیزی که بر او وارد می‌شود و هر طرح و برنامه و فکری که به او می‌رسد باید دقت کند که در ناحیه الهی و حق و عدل است یا خیر؛ یعنی به افکار و طرح‌های ناشناخته و مشکوک که با ظاهری حق به‌جانب خودنمایی کرده، اجازه ندهد که ذهن و عقل او را مورد تاخت‌وتاز قرار دهد و به‌عبارت دیگر هر طرح و برنامه‌ای که حرکت‌های سیاسی و اجتماعی را در پی دارد

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۴





می‌سجد و گرفتار جوسازی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها نمی‌شود، سپس می‌پذیرد به طوری که خود را پاسخگوی خداوند می‌داند.

۲. «و تعبیر کل فرع الی اصله» هر برنامه و دستور و طرحی هم که به او پیشنهاد می‌شود با آن اصل الهی می‌سجد و سپس به اجرا در می‌آورد.

معمولاً اهل باطل و سوجدویان و جاه‌طلبان برای مقابله با حق و عدل از مردم ناآگاه و خوش‌باور استفاده کرده و عملیات و کارهایی را سر راهشان قرار می‌دهند و ادعا می‌کنند که برای گرفتن حق مردم و مقابله با ظلم است. امام علیه السلام می‌فرماید: «هر فرع و هر اقدام عملی را باید با ریشه و اصل آن توجه کرد که برای چه هدفی دست به این کار می‌زند، آیا شکستن در و شیشه مغازه‌ها و خانه‌ها و خراب کردن اموال عمومی و کشتن بی‌گناهان و به آتش کشیدن پرچم کشور برای رسیدن به حق مردم و مبارزه با ظلم است یا خود این کار بزرگترین ظلم و جنایت و از بین بردن حق مردم است.»

امام علیه السلام در این مورد به صراحت می‌فرماید: کارهای بندگان شایسته الهی که مهم‌ترین آنها اقدام‌های سیاسی و اجتماعی است، باید بر اساس شناخت کامل و بصیرت باشد: «أَبْصَرَ طَرِيقَهُ وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ وَ عَرَفَ مَنَارَهُ وَ قَطَعَ غَمَارَهُ وَ اسْتَمْسَكَ مِنَ الْعُرَى بِأَوْثِقِهَا وَ مِنَ الْجِبَالِ بِأَمْتِنِهَا فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ».